

اندیشه‌های امام تأثیری عمیق و بسزا بر فرهنگ و باور زن و بر فکر و اندیشه او نهاد. امام به آنها فهامند اسلام هدفی جز حفظ شخصیت زن ندارد. زن وارد صحنه شد اما این‌بار با حجاب اسلامی. آنها رعایت پوشش و حجاب اسلامی را سبب نقض حقوق خود و مخالف آزادی و فعالیت‌شان نمی‌دانستند. زنان فعالانه در انقلاب شرکت کردند و موجبات حیرت و تعجب همگان را فراهم آوردند

تأملی پیرامون نقش زنان در پیروزی انقلاب ۵۷ و پیشبرد اهداف نهضت اسلامی

زن انقلابی، زن انسان‌ساز

امام خمینی (ره): در این نهضت زنان حق بیشتری از مردان دارند



بررسی تاریخ تمدن‌های جهان نشان می‌دهد در قریب به همه جوامع بشری، زن جایگاه ویژه و قابل احترامی نداشته است. از روم و یونان باستان گرفته تا تمدن مصر و ایران، زنان و دختران پیوسته مورد ظلم و بی‌احترامی قرار می‌گرفتند. با ظهور ادیان الهی، پیامبران و کتب آسمانی تأثیرات چشم‌گیری در تصحیح نگاه غلط به زن و مبارزه در راه حقوق اساسی دختران و زنان ایجاد می‌کنند. اسلام به عنوان آخرین دین از ادیان الهی در این رابطه پیشترین اصلاح‌گری را داشته است که آیات متعدد قرآن مجید و سیره نبی مکرم اسلام (ص) و اهل بیت ایشان به وضوح این نکته را نشان می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران نیز که بر اساس همان مکتب در عصر دنیای مدرن شکل گرفت، به نحو دیگری تلاش‌های زیادی را برای نجات زن از ۲ خطر پرده‌نشینی و کالاشدگی مبذول داشت. به منظور موشکافی بیشتر این مسأله یادداشتی از دکتر محمدرحیم عیوضی در همین رابطه تقدیم می‌گردد.

زمانی امپراتوری بزرگ روم بر این عقیده بود که زن موجودی است بی‌جان که از حیات اخروی بی‌بهره است و حق سخن گفتن در حضور مردان را ندارد. کنفوسیوس چینی که اغلب به فکر و اندیشه او احترام گذاشته می‌شود، گفته است: «زن حق ندارد امر و نهی کند، چرا که کارش منحصر به کارهای منزل است و باید او را در منزل نگهداشت تا خیر و شرش از آستانه خانه فراتر نرود». فیلسوف آلمانی، هگل گفته است: زنی که من نامش باشم به او احترام بگذارم و از او را تقدیر کنم، هنوز آفریده نشده و نخواهد شد. امپراتوری بزرگ فارس قدیم زن را مصدر بلاها می‌دانست و اعراب جاهلیت با آن خشونت و وحشیگری دختران بی‌گناه و معصوم را زنده‌مگور می‌کردند. در مجموع درباره عقاید و رفتار این جوامع در ارتباط با زنان چند مطلب قابل ذکر است: ۱- بشر قبل از اسلام درباره زن ۲ طرز تفکر داشت: یکی زن را انسانی در سطح حیوانات بی‌زبان می‌دانست و دیگری او را به لحاظ انسانی پست می‌پنداشت. مردان به عنوان انسان‌های کامل، در صورت آزادی زن، از شر و فساد او در امان نبودند و به همین جهت زنان باید کمال‌در قید تبعیت مردان قرار می‌گرفتند! ۲- درباره وضع اجتماعی زن نیز ۲ نظر وجود داشت: عده‌ای زن را خارج از افراد اجتماعی می‌دانستند و معتقد بودند زنان همانند نیازمندی‌هایی چون خانه و سرپرانه هستند که از آنها چاره‌ای نیست. برخی نیز معتقد بودند زن مانند اسیری است که به بردگی گرفته می‌شود و باید از نیمه غالب اجتماع پیروی کند. ۳- محرومیت زن در جوامع گذشته، همه‌جانبه بود و زن گاه کم‌پوشش از تمام حقوق خود مگر به مقداری که بهره‌مندی زن در بحقیقت به سود مردان یا قیام زن بود، محروم می‌شد. ۴- اساس رفتار مردان با زنان، استوار بود که جنس قوی بر ضعیف غلبه دارد، به عبارت دیگر هر معامله‌ای که مردان با زنان می‌کردند، بر اساس استخدام و بهره‌کشی بود. این روش امت‌های غیرمتنم بود اما امت‌های متنم نیز زن را انسانی ضعیف‌الخلق می‌دانستند که توانایی برخورداری از استقلال در امور خود را ندارد و نیز موجودی است خطرناک که بشر از شر و فساد او در امان نیست.

در چنین زمانی بود که اسلام به زن شخصیت داد، کرامت زن را به او بازگرداند و او را با هویت اصلی و واقعی‌اش آشنا کرد. از دیدگاه اسلام، زن و مرد مکمل یکدیگرند. آنها شبیه هم

نیستند اما باهم برابرند. البته بنا به اختلافات فطری، مسؤلیت‌های زنان با مردان متفاوت است. تغییرات فطری زن و مرد نه یک تبعیضی که یک تقسیم مسؤلیت است و البته هدف از وجود این اختلافات برپاداشتن جامعه بشری است. اگر زن نیز عیناً همان کارکردهای مرد را می‌داشت، آنها دیگر نیازی به هم نداشتند و ضرورتی برای زندگی مشترک احساس نمی‌شد. زن و مرد ۲ انسانند و در انسانیت متساوی و متشابهند؛ یعنی در آنچه به انسانیت انسان مربوط می‌شود، هر ۲ برابر و همانند یکدیگرند؛ صرفاً مرد انسان مذکر است و زن انسان مؤنث. شایان ذکر است که استعمال کلمه تساووی و تشابه درباره حقوق زن و مرد، یک بار معنایی را نمی‌رساند و این ۲ با هم تفاوت‌های مهمی دارند؛ به عبارتی ارزش کمی حقوق زن و مرد با یکدیگر برابر است اما از نظر کیفی مسأله فرق دارد. غربیان نیز به این امر معتقدند. الکسیس کارل در کتاب «انسان موجود ناشناخته» می‌نویسد: «به علت عدم توجه به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران نهضت زن فکر می‌کنند هر ۲ جنس می‌توانند یک‌قسم تعلیم و تربیت یابند و اختیارات و مسؤلیت‌های یکسانی به عهده گیرند. زن در حقیقت از جهات زیادی با مرد متفاوت است و یکایک سول‌های بدنی همچنین دستگاه عضوی بویژه سلسله عصبی نشانه جنس او را بر روی خود دارد. قوانین فیزیولوژی نیز همانند قوانین جهان ستارگان سخت و غیرقابل تغییر است.» ویل دورانت در کتاب «ذات فلسفه» می‌نویسد: «کار خاص زن خدمت به بقای نوع است و کار خاص مرد خدمت به زن و کودک است. ممکن است کارهای دیگری هم داشته باشند ولی همه از روی حکمت و تدبیر تابع این ۲ کار اساسی شده است. این مقاصد اساسی اما نیمه‌آگاه است. برخورد با واقعیات تفاوت زن و مرد غیرقابل انکار است.» با این‌همه استعمارگران برای رسیدن به اهدافشان همواره سعی کردند از تفاوت‌های فطری زن و مرد سوءاستفاده

کنند و شخصیت هر ۲ را لوث کند. برای نخستین‌بار نغمه‌های آزادی زن در اروپا و از سوی کارخانه‌داران انگلیسی مطرح و بعدها توسط پهلوی‌ها دنبال شد. آنها هدفشان استفاده از نیروی زنان با قیمت ارزان برای پیشبرد اهداف شومشان بود اما مسأله را به گونه‌ای طرح می‌کردند که گویی زن صرفاً زمانی آزاد خواهد بود که همچون مرد در کارخانه کار کند و زن وقتی زن است که همچون مرد باشد. آنها با این آزادی‌ها، در واقع تمام اصالت‌ها را به مرد می‌دادند. در واقع آنها تمام ارزش‌ها را در مرد متبلور می‌دیدند و مدعی می‌شدند زن با انجام کارهای مردانه می‌تواند گوشه‌ای از آن ارزش را به خود اختصاص دهد؛ این در حالی است که اسلام زن و مرد را مکمل یکدیگر می‌داند و به هیچ‌یک از آنها ارزش مطلق نمی‌دهد. در زمان پهلوی ندای آزادی زنان و برابری آنها با مردان سر داده شد اما این کار به قیمت کنار نهادن تمام ارزش‌های مذهبی و اسلامی انجام گرفت. حکومت پهلوی در شرایطی که حتی مردان را از داشتن کمترین آزادی‌ها محروم کرده بود، مطمئناً نمی‌پذیرفت زن‌ها هم آزاد باشند. لذا باید گفت آزادی از دیدگاه آنان به معنای رهاشدن از قیدبندهای مذهبی بود نه آزادی در مشارکت‌های اجتماعی یا سیاسی. در واقع رژیم متوجه شده بود دیگر قادر نیست در مقابل رشد آگاهی جامعه مقاومت کند، لذا درصدد برآمد زن را از نظر اخلاقی فاسد کند تا آگاهی برای او نتیجه ندهد. اما زنان علیه تمام این برنامه‌ها به مبارزه شدید برخاستند و منطق آنها منطق اسلام بود. آنها باور یافتند حجاب به معنای زناشایی شدن زن و شرکت زن در مجامع لزوماً به معنی اختلاط با مرد نیست. آنها منطق اسلام، یعنی اعتدال را در مرکز توجه خود قرار دادند. اسلام راستینی که به مردم تفهیم شد، در آگاهی آنان نقش اساسی و مهمی داشت. البته در این مورد نقش رهبری را نباید از یاد برد. رهبری، عامل مؤثری در انتقال این

خوانشی از نظرات کمتر شنیده شده متفکران و رهبران انقلاب اسلامی درباره جایگاه و مقام زن

انقلاب‌مدیون زنان

سعادت یک کشور به دست زنان است



مری انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند و با تربیت صحیح خودش کشور را آباد می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. زن مبدأ همه سعادت‌ها باید باشد و مع‌الأسف زن به صورت یک لعیه در آورند این پدر و پسر؛ بویژه این پسر. انقدر جنایات که به زن کردند به مردان نکردند زن مبدأ همه خیرات است. شما دیدید، ما دیدیم، زن در این نهضت چه کرد. ما نهضت

خودمان را مروه زن‌ها می‌دانیم. مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را و خودشان در صف‌های جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند. در نهضتی که ملت ما کردند، همه‌تان ملاحظه کردید زن‌ها پیش‌قدم بودند. بلکه فعالیت زن‌ها در این باب ارزشش بیشتر از فعالیت مردها بود؛ برای اینکه همین خواهرها که ریختند در خیابان‌ها و در مقابل توپ و تانک ظاهر کردند و مشت گره کردند، این‌ها مردها را قدرت‌شان را دوچندان کرد. وقتی مردها ببینند خانم‌ها آمدند در مقابل توپ و تانک، آنها بیشتر اقدام می‌کنند و ما دیدیم که این خواهرها در این نهضت یک سهم بسیار بزرگ داشتند. این خانم‌ها بودند که وقتی به خیابان‌ها ریختند و فریاد زدند، مردها را تشویق کردند

و قدرت‌های آنها را چند مقابل کردند. شما علاوه بر اینکه خودتان را قدرتمند کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید. الان این نهضتی که شما در پیش دارید، باید تشکر کنیم از خانم‌ها که در این نهضت یک قدم راستی داشتند و یک کمک بزرگی به ملت کردند. این خانم‌ها بودند که وقتی که به خیابان‌ها و کوچه‌ها ریختند و فریاد زدند، تشویق کردند، تشویق کردند مردها را و قدرت‌های آنها را چند مقابل کردند. لهذا شما علاوه بر اینکه خودتان را قدرتمند کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید.

جرجانی‌تکاران فهمیدند زنان هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند. بدون شک آنچه در این ۵۰ سال روزگار سیاه ایران به دست این رژیم سیه‌رو به ملت عزیز ایران بویژه بانوان مظلوم آن گذشت، با طرح

و نقشه از پیش حساب شده ابرجانی‌تکاران جهان بوده. ابرجانی‌تکاران دریافتند تنها «قشر مذهبی» است که می‌تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنان باشد و دیدند که حکم نیم‌سطری یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم، دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو در آورد. نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی را داشتند و متوجه شدند در مشروطه و پس از آن نیز زنان بویژه قشر متوسط محروم هستند که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خود باقی هستند، نقشه‌های آنان نقش بر آب است. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاع می‌کنند. عنایت اسلام به بانوان بیش از مردان است. شما خواهران اسباب این شدید که برادرها هم جرأت پیدا کنند. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند. زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز، وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شود، ملت‌ها شکست خواهند خورد، منقطع خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند.

که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خود باقی هستند، نقشه‌های آنان نقش بر آب است. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاع می‌کنند. عنایت اسلام به بانوان بیش از مردان است. شما خواهران اسباب این شدید که برادرها هم جرأت پیدا کنند. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند. زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز، وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شود، ملت‌ها شکست خواهند خورد، منقطع خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند.

که می‌توانند با قیام خود، مردان را به میدان بکشند و احساس کردند که تا این عوامل به قوت خود باقی هستند، نقشه‌های آنان نقش بر آب است. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت و شجاع می‌کنند. عنایت اسلام به بانوان بیش از مردان است. شما خواهران اسباب این شدید که برادرها هم جرأت پیدا کنند. عنایتی که اسلام به بانوان دارد بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد. مردان بر ملت‌ها حق دارند و زن‌ها حق بیشتر دارند. زن‌ها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز، وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شود، ملت‌ها شکست خواهند خورد، منقطع خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند.

مسجد برای کم‌حجاب‌ها هم هست



در مناطق کوهستانی لبنان بودیم. من از اهالی آنجا پرسیدم آیا زنان هم به مساجد می‌روند؟ در پاسخ گفتند: نه! اینجا زنان به مسجد نمی‌روند. پرسیدم چرا؟ در پاسخ مسائل مختلفی را گفتند، چون بعضی زنان در لباس تقریباً بدون حجابند و اگر آنها بدون حجاب وارد مسجد شوند، برای مجالس و مجامع مسجدی صورت خوبی ندارد. اگر مسلمانان به این نحو (یعنی بدون حجاب) وارد مسجد شوند و در مساجد شرکت کنند، به نظر می‌آید اسلام اینگونه خواسته است. بعضی‌ها هم به نحو دیگری می‌خواستند ثابت کنند اما با یک ساعت بحث توانستم مردم را در آنجا راضی کنم که زنان از این نظر می‌توانند و باید در هر صورت به مساجد بیایند. آنها هم گفتند: بله! کاملاً حق

با شماست. ما از حالا سعی می‌کنیم این مسأله را برطرف کنیم. بعضی بانوانی که در آنجا بودند بسیار خرسند شدند که در آنجا من این بحث را در میان گذاشتم و آنها گفتند: ما علاقه‌مندیم به مساجد برویم و می‌خواهیم بدانیم و اسلام را بشناسیم و غیر از آن مساجد کمتری برای این کار داریم. این فقط یک مثال بود اما من معتقدم این ممنوعیت یا این وضعیت که زنان در بخشی از لبنان اجازه وارد شدن به مساجد را ندارند، به یک سنت بسیار قدیمی اعراب بازمی‌گردد و بر پایه آن سنت پایه‌ریزی شده است که اعراب با زنان‌شان سخت‌گیرانه برخورد و رفتار می‌کردند. اینطور نیست؟ به عقیده من دلیل واقعی این برخورد مردان در بخشی از لبنان با زنان از این جهت است.

همه خیرات و سعادت‌ها معرفی کرد و می‌خواست از وجود او در ارتقا و تعالی جامعه استفاده کند. امام زن را موجودی بسیار باعظمت و کرامت می‌دید که سعادت و شقاوت جامعه تا حد زیادی به دست او است. یک جامعه خوشبخت از دیدگاه امام جامعه‌ای است که زناش تربیت شده و در جهت پرورش و هدایت، پیشرو و نمونه باشند. زن در حاشیه و کنار اجتماع نیست، بلکه محور و مرکز جامعه است. امام (ره) منشا تحولات انقلابی ایران را نخست از زنان می‌دانست؛ در واقع انقلاب ابتدا در میان زنان پیدا شد و سپس در جامعه جلوه کرد.

امام با تفکر خاص خود آفق دید زن را وسیع کرد و حرکت زن به سوی کمال را سرعت بخشید. زن ایرانی متحول شده، راه صحیح را شناخت و دریافت بیش از اسلامی و قوانین اسلامی برای او نافع‌تر و سودمندتر است. اندیشه‌های امام تأثیری عمیق و بسزا بر فرهنگ و باور زن و بر فکر و اندیشه او نهاد. امام به آنها فهامند اسلام هدفی جز حفظ شخصیت زن ندارد. زن وارد صحنه شد اما این‌بار با حجاب اسلامی. آنها رعایت پوشش و حجاب اسلامی را سبب نقض حقوق خود و مخالف آزادی و فعالیت‌شان نمی‌دانستند. زنان فعالانه در انقلاب شرکت کردند و موجبات حیرت و تعجب همگان را فراهم آوردند.

در لایه‌های گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی در دوران مبارزه و ۲ دهه اول انقلاب، به موارد بسیاری برمی‌خوریم که حاکی از نظر مساعد ایشان نسبت به مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان است. پس از پیروزی انقلاب نیز ایشان طی سخنانی که به مناسبت‌های گوناگون ایراد فرموده‌اند، سهم چشمگیر زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و دوران جنگ و نیز لزوم مشارکت اجتماعی زنان در جامعه اسلامی را مورد تصریح قرار داده‌اند.

امام خمینی مشارکت اجتماعی زنان را با رعایت موازین اسلامی کاملاً مجاز دانسته و مورد تأکید قرار داده است. علاوه بر این ایشان در بسیاری از گفته‌ها و نوشته‌های خویش، مشارکت سیاسی را برای زنان لازم دانسته است: «زن باید در مقدرات اسلامی مملکت دخالت کند. شما همان گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهم بوده‌اید، هم‌اکنون هم باز باید در پیروزی سهم یابید و فراموش نکنید هر موقع اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید». به طور کلی از مجموع گفتارها و سخنان امام خمینی درباره زنان برمی‌آید که ایشان تحصیل، شرکت در امور سیاسی، اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی را مطابق تأکید و تصریح اسلام، برای زنان مجاز شمرده‌اند.

انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی دارد که در مجموع این انقلاب را در میان همه انقلاب‌های جهان بی‌نظیر و بی‌رقیب ساخته است. یکی از آن ویژگی‌ها، قطعاً سهم‌پهون بانوان است. با روشن شدن نخستین شعله‌های انقلاب که زمینه‌های آن در راهیمیایی با تظاهرات و فعالیت‌های سیاسی سال ۱۳۵۷ شکل گرفته بود، زن ایرانی که قبل از آن تنها ایفاگر نقشی بسیار ساده و ناقص بود، حصار بی‌ندوباری را در هم شکست و پا به میدان علم و عمل گناشت و سیاست‌های فرهنگ استعماری را که موجودیت او را ناپدید کرده بود، زیر پا گذاشت. زنان در تاریخ انقلاب اسلامی ایران همواره به منزله بانوان توانمند انقلاب و برانگیزاننده شعله‌های فروزان آن به شمار آمده‌اند و نقش آنان در انقلاب اسلامی بسیار عظیم تلقی شده است؛ چنانکه امام خمینی (ره) فرمودند: «در این نهضت زنان حق بیشتری از مردان دارند».

زن ایرانی با ظهور انقلاب اسلامی تحول یافت و تحول آفریده هر روز به سوی رشد و کمال تازه‌ای راه یافت و در دوره انقلاب آبدیده و استوار شد. زنان مسلمان و متعهد کشورمان برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در صحنه‌های سیاسی-اجتماعی، بسیار فعال و سازنده قدم برداشتند و حرکت‌های اجتماعی عظیمی با مشارکت آنان شکل گرفت.